

پلیس نسوان در سنجه جرم‌شناسی پیشگیری

جواد طهماسبی^۱؛ عباس تدین^۲؛ بتول پاکزاد^۳؛ علی ناصر کلی وند^۴

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

چکیده

در ایران حق دسترسی زنان به عنوان بزه دیدگی به پلیس زن یکی از حقوق بنیادین آنان در جامعه تلقی می‌شود. در این راستا، می‌بایست حضور پلیس زنان در ایران و جوامع مشابه که فرهنگ مستغنی مذهبی - رفتاری در بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارند، مورد بررسی قرار گیرد. علائمی نظیر افزایش نرخ ارتکاب جرم با توجه به نرخ رشد جمعیت، افزایش تنوع جرائم، کاهش سن ارتکاب جرم در میان زنان و ارتکاب بسیاری از جرائم خلاف اخلاق و عفت عمومی نشان می‌دهد که سنگ زیرین اجتماع یعنی خانواده و بلاخص در میان زنان بیشتر در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی است. این نوشتار مترصد تبیین مبانی سیاست‌گذاری و تقنینی حضور پلیس آموزش‌دیده زن وفق بند ۱۳۴ منشور است. از این رو، با نگاهی به پیشینه جرائم ارتكابی علیه زنان حضور پلیس زن در جامعه ضرورت می‌یابد؛ بنابراین، این مطالعه با روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی سنجه جرم‌شناسی پیشگیرانه از طریق تشکیل پلیس زنان بوده تا با دادن خدماتی از جمله مشاوره دادن و اطلاع‌رسانی به زنان بزه دیده در موضوع خشونت، زمینه پذیرش حضور گسترده پلیس زنان فراهم سازد.

واژگان کلیدی: پلیس زنان، جرم‌شناسی، اقدام فرهنگی، پیشگیری، سیاست‌گذاری.

^۱ . عضو هیئت‌علمی گروه جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۲ . عضو هیئت‌علمی گروه جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

^۳ . عضو هیئت‌علمی گروه جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۴ . دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه

توسعه پلیس حرفه‌ای مدرن یک نوآوری بسیار مهم اجتماعی در قرن نوزدهم است که نتوانسته زنان را شامل شود. پلیس زن برای اولین بار در دهه‌های اولیه همان قرن در تعداد محدودی از مکان‌ها در پورتلند اورگن در سال ۱۹۰۸، لس‌آنجلس، در سال ۱۹۱۰ و تورنتو در سال ۱۹۱۳ به‌کارگماشته شد. به‌علاوه، در طول جنگ جهانی اول گسترش پلیس زن به دلیل کمبود نیروی کار رخ داده است (براون و هدینسون، ۲۰۰۰ و جکسون، ۲۰۰۶). انتصاب زنان در مشاغل پلیسی باگذشت زمان طولانی و به‌طور تطبیقی در حد پایینی تداوم پیدا کرد. به‌عنوان مثال، در ایرلند اولین زن پلیس چهار دهه دیرتر از انگلستان در سال ۱۹۵۹ به کار گمارده شد (کلنسی ۲۰۰۹). در این میان، افسران پیشگام به تعداد بسیار کم در واحدهای پلیس زنان محدود شدند و عمدتاً به‌عنوان دستیار کارآگاهان مرد کار می‌کردند. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شاهد آغاز تدریجی شکستن و بیرون آمدن از این محیط محصور و بسته بوده، به‌عنوان نمونه، زنان وارد واحدهای مددکاری نوجوانان و گروه‌های ترافیکی مدارس شدند و درنهایت، در دهه ۱۹۷۰ به تیم‌های گشت زنی مختلط پیوستند (هدینسون، ۱۹۹۲). در دهه ۱۹۹۰ تعداد افسران زن در دموکراسی‌های پیشرفته‌تر به ۱۰ درصد رسید. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که در بیشتر دموکراسی‌های توسعه‌یافته، درصد زنان پلیسی که سوگند یاد کرده‌اند، یک‌چهارم یا زیر یک‌چهارم باقی‌مانده است؛ با کم‌ترین تعداد پست‌های مدیریتی و با زنانی از اقلیت‌های قومی و نژادی که بیش‌تر به حاشیه رانده شده‌اند، رنج می‌برند. از آنجاکه حفظ امنیت و نظم جامعه، از وظایف نیروی انتظامی هر کشور است، تربیت پلیس زن نیز در همین راستا انجام می‌گیرد.

این نیروها و پلیس نسوان بر اساس توانایی‌های فیزیکی از بین نیروهای عادی گلچین شده و پس از آموزش‌ها و آزمون‌های سخت به خدمت نیروهای پلیس هر کشور درمی‌آیند. به‌طور کلی، می‌توان گفت قاعده مشخصی درباره سنجه اشتغال نسوان در نیروهای پلیس در کل جهان در دسترس نیست، به‌طور مثال، کشورهای سوئد، نروژ و دانمارک (اسکاندیناوی) دارای بیشترین تعداد پلیس زنان است، به میزان ۱۶ درصد آمار نیروهای پلیس اختصاص به زنان دارد و در ایالت متحده آمریکا همچنین حضور پلیس

نسوان، ۳/۵ درصد است و بدین شکل هرگز قابل‌تصور نیست که در بعضی از کشورها ۵۰ درصد از افراد پلیس، زنان هستند چراکه در سوئد، نروژ و دانمارک (اسکاندیناوی) پائین‌تر از ۲۰ درصد از تمام پلیس، بانوان هستند و در جمهوری اسلامی ایران نیز این میزان به عدد ۴ درصد می‌رسد، در نتیجه، تشکیل پلیس در ایران و جوامع مشابه که فرهنگ مستغنی مذهبی و رفتاری در لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی دارند که باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، زیرا علائمی نظیر افزایش نرخ ارتکاب جرم با توجه به نرخ رشد جمعیت، افزایش تنوع جرائم، کاهش سن ارتکاب جرم در میان زنان، ارتکاب مشهود بسیاری از جرائم خلاف اخلاق و عفت عمومی نشان می‌دهد که سنگ زیرین اجتماع یعنی خانواده و بلاخص در میان زنان بیشتر در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی می‌باشند؛ بنابراین، پیشگیری از جرم فرایند عقلی است که گذشت زمان، صحت آن را نمایان می‌کند، بر این اساس برای جلوگیری از تحقق بزه، پلیس نسوان قادر خواهد بود با ارائه خدمات از جمله مشاوره دادن و اطلاع‌رسانی به بانوان محنی علیها در موضوع خشونت، با آگاه‌سازی و اطمینان دادن به آن گروه از خانم‌هایی که در لبه و معرض پرتگاه خطر قرار دارند، زمینه پذیرش فرهنگ و مراعات حدود اخلاق و همچنین بالا بردن فرهنگ رفتاری و انسانیت تأثیر داشته باشد.

در این مطالعه ضمن تبیین مفهوم پیشگیری از وقوع جرم و مصادیق احصائی آن به‌ضرورت تشکیل پلیس نسوان در سنجه جرم‌شناسی پیشگیری در جامعه پرداخته و بزه دیدگی زنان از منظر سیاست جنائی و جرم‌شناسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

از این‌رو، از نگاه جرم‌شناسی پیشگیرانه، ضرورت بهره‌مندی از پلیس زنان انکارناپذیر است چه اینکه در تبیین این شاخه از جرم‌شناسی دریافته که پیشگیری از جمله بحث‌های کاربردی و باارزش در اکثر علوم همچون جرم‌شناسی است. این بخش از جرم‌شناسی در خلال تبیین عوامل وضعی و اجتماعی پدیده مجرمانه، با طرح روش‌های پیشگیرانه، در پی جلوگیری از وقوع جرم است. در این ایام، ارزش جلوگیری از وقوع جرم بر همه حاکمیت کشورها و به‌خصوص تشکیلات پلیسی و ارکان حافظ نظم و امنیت در جامعه از همه زمان‌ها مشخص شده است. از طرفی توسعه روزافزون علم و پیدایش فن‌آوری‌های نوین، علاوه بر تأثیر مثبت بر جنبه‌های گوناگون زندگی بشری

آثاری سوء نیز در پی داشته است. از جمله این آثار سوء می‌توان به استفاده برخی از بزهکاران از جدیدترین تجهیزات رایانه‌ای و فن‌آوری‌های پیچیده مخابراتی در راستای ارتکاب جرم اشاره کرد. از این‌رو، سازمان پلیس نیز که مطابق تکلیف قانونی، موظف به مقابله با مجرمان است، می‌بایست اتخاذ راهکار را موردبررسی قرار دهد تا به نحو تأثیرگذاری با این‌گونه بزهکاران مقابله کند. از سویی مقابله مؤثر با بزهکاران و جلوگیری از پیدایش آثار وخیم انجام بزه، سبب می‌شود که پلیس، پیشگیری از جرم را به‌عنوان وظیفه کارکرد خویش معرفی نماید. وانگهی بااهمیت‌ترین حرکت جهت عملی کردن الگوواره‌های پیشگیری از وقوع جرم، افزایش راندمان سطح دانش عملی فناوری و فن‌آوری‌های گوناگون و به‌کارگیری آن در سازمان پلیس است. لذا بدین سبب تشکیل پلیس نسوان به جهت بعضی از مصادیق مجرمانه جامعه ضروری و محقق می‌شود و به خاطر پیشگیری از وقوع جرم در حوزه زنان که در آن نقش جنسیت بسیار بارز است، در نتیجه وجود پلیس تخصصی و جنسیتی زن ضرورت می‌یابد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ایجاد فضای گسترده برای حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، برای حفظ ارزش‌ها و موازین اسلامی در حمایت از زنان و افزایش امنیت عمومی آنان و نیز پیشگیری از افزایش ارتکاب جرائم زنان، مقرر شد پلیس زن وارد عرصه اجتماعی شود. این امر با تصویب اصلاحیه تبصره ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی در مجلس شورای اسلامی، مبنی بر آموزش زنان و حضور آنان به شکل انتظامی در مأموریت‌های لازم در سال ۱۳۷۷ محقق شد؛ به همین منظور، مجتمع آموزشی زنان پلیس، در آموزش مقاطع کاردانی و کارشناسی فعالیت خود را در سال ۱۳۷۸ آغاز کرد و در حال حاضر، در رشته‌های تخصصی انتظامی، آگاهی و اطلاعات، پلیس زن تربیت می‌کند، از آنجاکه در برخی مشاغل باید شئون اسلامی رعایت شود؛ به همین دلیل، حضور زنان در آنجا ضروری می‌یابد؛ برای مثال، در بازجویی بدنی از زنان، یا بازرسی از اماکن زنانه یا بررسی صحنه‌های جرم زنان، مردان نمی‌توانند کار آیی مناسبی داشته باشند و ضرورت دارد پلیس زن متناسب با جنسیت زنانه، آموزش‌دیده و اقدام لازم معمول دارند.

از سوی دیگر، واژه عدالت از کهن‌ترین واژگانی است که انسان از ابتدای تمدن خویش به آن شناخت داشته و برای پابرجائی آن مساعی خود را مصروف داشته است. عدالت جنبه‌های گوناگونی دارد که عبارت‌اند از عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کیفری و... اشاره نمود. عدالت قضایی از عالی‌ترین هدف‌های هر سیستم قضائی است تا اینکه در ظل آن عدالت کیفری به نحو احسن اجرا شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات و تلاش‌هایی در زمینه دستیابی زنان به عدالت قضایی در بُعد قانون‌گذاری ماهوی و شکلی صورت گرفته است تا مسئله حفظ و رعایت حقوق زنان و عدم تبعیض در تقنینی و تصویب مقررات و کارکرد ارگان‌ها بر پایه اختلاف‌های طبیعی فی‌مابین مؤنث و مذکر و لازمه‌های آن در انجام تکالیف باشد. لذا بدوا باید به مفهوم پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم تا با این ادراک جرم‌شناسانه به مباحث مرتبط با پلیس نسوان ورود نماییم.

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، اصول صداقت و امانت‌داری مطمح نظر قرار گرفته است.

مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی:

پیشگیری در لغت به معنی «جلوگیری» آمده است، یعنی مانع‌شدن (معین، ۱۳۸۱، ۹۳۳) که بامعنای اصطلاحی آن در علوم جزائی منطبق است. پیشگیری در این ایام در مفاهیم «پیش‌بینی کردن» یا «آگاه کردن و هشدار دادن» به کار می‌رود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۳۵). پیشگیری از وقوع جرم در میان دانشمندان جرم‌شناس به دو صورت گسترده و محدود (عام و خاص) بیان شده است، جلوگیری از وقوع جرم در مفهوم گسترده شامل آن گروه از اعمالی است که از وقوع جرم جلوگیری می‌کند؛ به راین اساس هر عمل جزائی (واکنشی) یا غیر جزائی (کنشی) وفق این تعریف در محدوده جلوگیری از جرم قرار می‌گیرد؛ اما معنی محدود از پیشگیری حاوی تمامی اقدام‌های غیر جزائی (کنشی) بانگیزه مبارزه با مجرمین یا از بین بردن علل جرم‌زا و

همچنین اثرگذاری بر وضعیت‌های قبل از وقوع جنایت است. به‌طوری‌که بتوان با بهره‌برداری از روش‌های تأثیرگذار بر شخصیت اشخاص و وضعیت‌های قبل از وقوع جرم اثر گذاشت. (نیازپور، ۱۳۸۷، ۱۷۰) این اقدام‌های جلوگیری (معنی محدود پیشگیری) اولین بار از طرف یکی از تئوریسین‌های مکتب تحقیقی یا اثباتی (انریکو فری) طرح گردید و از تدابیر جلوگیری کننده واکنشی (جزائی) منفک گردید.

بنابراین پیشگیری از جرم کلاً به دو نحو، جلوگیری جزائی قاهره (واکنشی) و غیر جزائی غیر قاهره، (کنشی) معمول می‌گردد. منظور از جلوگیری جزائی ورود ناشی از وقوع جرم، عنایت به احتیاجات خاص مجنی علیه، باز اجتماعی کردن مجرمان و تشریک‌مساعی همه سهام‌داران (مجنی علیه، جانی، وابستگان، جامعه، حاکمیت و ...) در بهترین جواب به جرم واقع شده است. با این نگاه پلیس بانوان امنیت همه‌جانبه را در جامعه زنان و به‌خصوص خانواده‌ها ایجاد می‌کند. از آنجاکه در این عصر نیمی از جمعیت کشور را بانوان تشکیل می‌دهند و در تمامی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی حضوری غیرقابل وصف و پُر شوری دارند، احتیاج به پلیس نسوان برای انجام امور مربوط به بانوان و اصلاح ناهنجاری‌ها و تخلفات مربوط به بانوان با نگاه عدالت‌ترمیمی بیشتر از همیشه موردنیاز است. اقداماتی که پلیس نسوان می‌تواند در تأمین امنیت عمومی جامعه نقش بسزایی داشته باشد همچون: بازرسی بدنی بزهکاران زن، آزمون و امتحان راه نمائی و راندگی اختصاصی خانم‌ها، تشخیص هویت و انگشت‌نگاری بانوان، بازرسی اماکن خانم‌ها، مراقبت اجتماعی در نماز جمعیه‌ها و سایر مراکز، مثل ورزشگاه‌ها می‌توان برشمرد.

مواد و روش‌ها:

تحقیق حاضر، از دسته تحقیقات کاربردی محسوب شده که به طریق تحلیل داده‌ها و توصیف مطالب مطرح و با بهره بردن از کتب موجود کتابخانه‌ای به منصفه ظهور و ثبوت رسیده است. آمار نشان داده است که این مطالعه را، اسناد مرتبط با پلیس زن و حقوق زنان متهم و مجرم و مجنی علیه در مواجهه با آن‌ها تشکیل داده است، از همین رو در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد، کتب و مقالات، بهره

گرفته شده است.

یافته‌ها:

پلیس یا نیروی انتظامی اصلی‌ترین سازمان مبارزه کننده با رفتارهایی است که مستقیماً با امنیت، حیثیت و تمامیت زندگی آحاد جامعه مرتبط است. پلیس وظیفه و تکلیف در حفظ امنیت عمومی جامعه را بر عهده دارد که بدواً با انجام درست به وظایف و تکالیف خود در محدوده قواعد علمی حس امنیت در اذهان عمومی را مستقر کرده و با بهره جستن از این احساس که تماماً ذهنی است به گسترش امنیت می‌پردازد. به دست آوردن این امنیت بدون تشریک‌مساعی و شراکت همه آحاد مردم اعم از بانوان و رجال به‌خصوص بانگیزه اجرای حدود الهی امکان ندارد و در این مسیر بانوان همچنین قادر خواهند بود یکی از استوانه‌های مهم در اجرای عدالت اجتماعی و بروز و ظهور امنیت عمومی در جامعه باشند و قسمت قابل‌ذکری را در این قضیه بر عهده بگیرند. پلیس در امتداد با سندهای بالادستی (اسناد کلی و استراتژیک) و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان مبادرت به تغییر قانون به‌کارگیری پلیس زنان در فراجا نمود و با استخدام زنان به عنوان پلیس زن، با توجه به موازین دینی، شرعی و قانونی و با رعایت ارزش و هویت انسانی، زنان را به عنوان یکی از اصول ارزشی خود در پلیس معرفی و با تنظیم پروتکل و دستورالعمل خدمتی پلیس زن و به استخدام آنان در مشاغل مرتبط مثلاً در ارتباط با پلیس انتظامی، پلیس راهور، پلیس آگاهی و مشاوره اجتماعی در کلانتری‌ها، قاعده‌ها و اصل‌های درج‌شده در این منشور را به مرحله اجرا درآورده است.

بحث

در پس هر رخداد جنایی، مسئله مهمی نهفته که به لحاظ در هم تنیدگی آن با مقوله‌ی روان‌شناختی، از دید بسیاری مغفول و پنهان می‌ماند. این مسئله که دامنه‌ی آن هزاران برابر گسترده‌تر از جرم است، ترس از جرم نام دارد. ترس از جرم اگرچه روح خود را از جرم وام می‌گیرد، جرمی که در محل حادثه ظاهر و محو می‌شود، پدیده‌ای است به‌غایت تأثیرگذار که حتی می‌تواند بر جرائم نیز از هر حیث تأثیر بگذارد. اگرچه پدیده‌ی ترس از جرم قابل‌رؤیت و یا شمارش نیست، اما نادیده انگاشتن آن خطای

بزرگی است. واقعیت این است که بسیاری از رفتارها، سخن‌ها و افکار انسان برخاسته و یا تحت تأثیر ترس از بزه دیدگی است. واقعیتی که نه تنها بزه دیده و اطرافیان او که شئون مختلف جامعه را نیز متأثر می‌کند. ترس از جرم بعضاً با مفاهیمی همچون احساس ناامنی و نگرانی درباره‌ی جرم خلط می‌شود. این در حالی است که هر یک از واکنش‌های روانی با یکدیگر متفاوت هستند. با این حال نقطه اشتراک این واکنش‌ها آن است که می‌توانند ابعاد مختلف و درعین حال حیاتی زندگی بشر را دستخوش تغییر و بعضاً نابودی قرار دهند. توجه به این پیامدها اهمیت پرداختن به این پدیده را دوچندان می‌کند. پرداختن به مقوله‌های اثرگذار بر ترس از جرم نقش مهمی در تدوین یک سیاست کلی و غیرقطعی برای کنترل ترس از جرم دارد. بی‌گمان کنترل این پدیده از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی است که باید توجه جدی به آن نمود، چون از پیامدهای ناگوار اقتصادی گرفته تا دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی نوعاً رابطه معناداری با ترس از جرم دارند. البته راهبردها و تدابیر اتخاذی باید دقیق و تأثیرگذار باشند.

به‌هرحال در هم تنیدگی موضوعات و اوضاع و احوال می‌تواند بر میزان ترس از جرم تأثیرگذار باشد. ظهور اصطلاحاتی از قبیل سیاست‌های ترس، ترس از جرم و ترس از آینده گواهی بر اهمیت ترس در دنیای کنونی است. ترس و نگرانی از جرم و بزه دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروزه به‌نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آنان تأثیر فراوانی بر جای می‌گذارد. مردم به شیوه‌های متفاوتی به ترس از جرم واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها ممکن است از حضور در مکان‌های معین و در زمان‌های ویژه اجتناب کنند، تجهیزات پیشگیری از جرم خریداری نمایند، گروه‌هایی علیه جرم و یا به‌منظور دفاع از خود تشکیل دهند، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی‌شان را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره‌گیری کنند.

سید زاده (۱۳۸۷) نتیجه می‌گیرد که ترس از جرم احساسی ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است و این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری است که به تصور فرد در محیط پیرامونی او وجود دارد. مهم‌ترین دلیل مطرح‌شدن مفهوم ترس از جرم فاصله میان میزان خطر واقعی بزه دیدگی و درک مردم از احتمال بزه دیدگی

است. ترس از جرم سنخیتی با میزان واقعی جرائم ندارد. غلامرضا غفاری (۱۳۸۷) بحث ترس از جرم می‌پردازد. به نظر او سرمایه اجتماعی می‌تواند نگرش مثبتی نسبت به سازمان‌های مجری قانون در ذهن افراد ایجاد کند به‌ویژه به این دلیل که عملکرد پلیس و سایر نهادها در جایی که شبکه‌ها قوی هستند و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، مؤثرتر است. او با بررسی انواع مختلف سرمایه اجتماعی، گسترش سرمایه اجتماعی عام-گرایانه و کاهش سرمایه اجتماعی خاص‌گرایانه را موجب کاهش جرم می‌داند که این موضوع می‌تواند به تبع خود به کاهش میزان ترس از جرم بیانجامد. دلاور (۱۳۸۴) در یک پژوهش پیمایشی با نمونه‌ای ۳۱۰۰ نفره از مراکز استان‌های کشور احساس امنیت را با ابعاد جانی، اقتصادی، نوامیس و اجتماعی بررسی کرد. بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به امنیت اجتماعی (۴۲ درصد) و کمترین آن مربوط به امنیت جانی (۱۴ درصد) بود. متغیرهای دموگرافیک جنسیت، سن، وضع تأهل با احساس امنیت رابطه داشتند. لذا هدف از این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم و راه‌های پیشگیری از آن است (نیکوکار و یاراحمدی، ۱۳۹۱).

عوامل مؤثر بر ایجاد ترس از جرم

عوامل ایجادکننده ترس را می‌توان از دو منظر عوامل فردی و عوامل اجتماعی موردبررسی قرارداد. عوامل فردی عواملی مانند جنسیت، روابط افراد با یکدیگر و تجربه قبلی بزه دیدگی از این نوع هستند. برخی از این عوامل به وضعیت جامعه و آماج جرم برمی‌گردد. عوامل اجتماعی مانند نحوه طراحی محیط، بی‌نظمی موجود در جامعه و یا رسانه‌ها.

۲-۱- عوامل فردی

الف) جنسیت

ترس از جرم در بین همه گروه‌های اجتماعی وجود دارد ولی پیامدها و آسیب‌های ترس از جرائم برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست. برخی از گروه‌های اجتماعی به‌ویژه زنان، بنا به برخی ویژگی‌های روحی، روان‌شناختی، فیزیولوژی،

مشاهدات و تجارب خود در دفاع از خوددارند. البته این نوع ترس بیشتر در جرائم خیابانی و خشونت‌های خانوادگی مصداق دارد. مرتکبین این نوع جرائم بیشتر مردان هستند که قدرت جسمانی بیشتری دارند. طبیعی است که مردان با توجه به قدرت بیشتر نسبت به زنان، به دنبال بزه دیده مناسب و ایدئال می‌گردند و به همین خاطر بیشتر زنان را هدف جرائم خود قرار می‌دهند. مثلاً زنان در جرائمی چون کیف‌قاپی و آزار و مزاحمت‌های خیابانی به راحتی می‌توانند بزه دیده واقع شوند و در دفاع از خود ناتوان‌اند. در خشونت‌های خانوادگی همین داستان حکایت دارد، چراکه جرائم خانوادگی بیشتر بین زنان و مردان است، بازهم در این حالت قدرت جسمی مرد بیشتر است و زن بزه دیده واقع می‌شود.

دلیل دیگر، در معرض تعرض جنسی و مزاحمت قرار داشتن زنان در بیشتر جوامع است. زنان به خاطر زن بودنشان در بیشتر جوامع، مورد تعرض جنسی، ربودن و مزاحمت‌های خیابانی واقع می‌شوند، به گونه‌ای که می‌توان گفت بسیاری از زنان حداقل یک بار مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار گرفته‌اند. لذا این مورد نیز ایجاد ترس از جرم زنان مؤثر است.

ب) روابط ارگانیکی و مکانیکی

دورکیم جوامع را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته اول همان جوامع اولیه یا جوامع مکانیکی هستند که انسجام درونی ناشی از قدرت و وجدان جمعی ویژگی بارز این جوامع است. یعنی وجدان جمعی روی هم رفته یکپارچه است و سرزنش جمعی یا اخطار و تقبیح مردم نقش قوی در انسجام جامعه دارد. در این نوع جوامع همبستگی یا نوع دوستی قوی است و هر کس برای خود نیست بلکه برای دیگری است، ارزش‌ها یکپارچه است و وظیفه حقوق نیز حفظ این ارزش واحد است. با توجه به اینکه همه در این ارزش واحد سهیم هستند، لذا افکار عمومی در مقابل انحراف و جرم پاسخ می‌دهد. ولی در مقابل، در جوامع ارگانیکی ارزش‌ها متکثر و کار حقوق برقراری تعادل میان ارزش‌هاست و روابط چهره به چهره خیلی کم است. همبستگی بر مبنای مشابهت افراد نیست بلکه براساس معیار مکمل یکدیگر بودن است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد در این دو نوع جوامع، ترس از جرم در جوامع نوع اول (مکانیکی) کمتر و

احساس امنیت بیشتر است. زیرا در جوامع نوع اول، روابط چهره به چهره و ارتباطات اجتماعی بین افراد وسیعتر و صمیمی تر است و احساس تعلق خاطر بیشتری به جامعه می‌کنند. بنابراین دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه ای به شمار می‌رود. چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماعشان قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است. اگر افراد احساس کنند که کنترل اجتماعی در محیط اجتماعی محلیشان اعمال نمی‌شود، احتمالاً ترس از جرم بیشتری را تجربه خواهند نمود. به عبارت دیگر کنترل اجتماعی بر اساس آرامش و امنیت افراد موثر است. از این رو احساس داشتن پشتیبان کرده و محله‌اشان را امنتر از آن چیزی فرض می‌کنند که آن گونه است (فارال و همکاران، ۲۰۰۷).

پ) تجربه قبلی بزه دیدگی

تجربه قبلی بزه دیدگی می‌تواند بر افزایش ترس از جرم افراد تأثیرگذار باشد. پژوهشگران معتقدند سوابق قبلی بزه دیدگی بر ایجاد ترس از جرم مؤثر است. حتی گفته‌اند که بیشترین میزان ترس از جرم را کسانی تجربه می‌کنند که قبلاً به نوعی بزه‌دیده جرمی بوده‌اند. البته بسته به اینکه افراد قبلاً بزه‌دیده چه جرمی بوده‌اند، میزان ترس متفاوت است. به این بیان که هر چه جرمی که فرد قبلاً بزه‌دیده آن بوده، شدیدتر باشد، به همان میزان نیز ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد و برعکس. مثلاً بزه‌دیدگان سرقت‌های مسلحانه و مقرون به آزار ترس بالایی از بزه دیدگی مجدد دارند، زیرا چنین جرایمی اغلب شدید، همراه با آزار جسمی و روحی و با استفاده از سلاح ارتکاب می‌یابند. به همین ترتیب بزه‌دیدگان جرایم جنسی، سرقت از منزل، کیف‌قاپی، آدمربایی، حملات خیابانی و خشونت آمیز ترس بیشتری نسبت به بزه‌دیدگان سایر جرایم دارند. لذا میزان ترس از جرمی که فرد تجربه می‌کند ترکیبی است از دو عامل درک فرد از شدت جرم و تصور وی در خصوص احتمال بزه‌دیدگی خویش است. در نتیجه سوابق قبلی بزه دیدگی بسته به نوع جرم بر میزان ترس افراد تأثیر می‌گذارد و با افزایش ترس از جرم میزان کیفر خواهی نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این افرادی که تجربه قبلی بزه دیدگی داشته‌اند، بزه دیدگی و تجارب خود را از طریق شبکه‌های

اجتماعی علمی به هموعان خود منتقل می‌کنند، به گونه‌ای که ترس از جرم را در این افراد نیز افزایش می‌دهند. بدون اینکه چنین افرادی خود تجربه بزه دیدگی قبلی داشته باشند (سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷).

امنیت عمومی در جامعه زنان

از جمله وظایف مهم و اصلی دولت، برقراری نظم در داخل کشور و حفظ تمامیت ارضی در برابر تهدیدات خارجی است. مقوله امنیت و نقش به سزای پلیس در ایجاد زمینه‌ها عملی و روانی تأمین آن در جامعه، از عمده مباحث مطرح در میان دانشمندان علوم انتظامی بوده است و این امر وجوب تبیین روش‌های داخلی پلیس و همکاری آن با دیگر قسمت‌های حاکمیت سیاسی را می‌نمایاند. امنیت در دو سطح فردی و اجتماعی در جامعه می‌تواند تبلور یابد. ابتدایی‌ترین خطرات که امنیت فردی و اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد تهدیداتی است که جان و مال افراد و نیز اموال عمومی را به خطر می‌اندازد، نتیجتاً دولت-کشور باید مجهز به وسایل و تجهیزاتی شود که قادر باشد تکالیف مهم خویش را در حوزه تأمین امنیت جامعه به سامان برساند؛ بنابراین تشکیل یک نیروی انتظامی در حد کلان و تشکیل پلیس نسوان در حد اخص برای دولت ضرورت کامل دارد.

فرهنگ‌ها و جامعه‌های گوناگون به‌طور نسبی با شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جمعیتی با جرائم و ناهنجاری‌های متفاوت همچون سرقت، قاچاق کالا و ارز، قتل، اخاذی و کلاهبرداری ... مواجه می‌شوند و برخورد با این ناهنجاری‌ها مستلزم وجود سازمانی است که در بیشتر کشورها بانام پلیس شناخته می‌شود. مردم نسبت به نوع و میزان توان پلیس در مقابله کردن با اعمالی که امنیت، حیثیت و تمامیت زندگی آن‌ها را مختل می‌سازد بسیار حساس و دقیق هستند و میزان اعتماد آن‌ها به نیروی انتظامی نقش مهمی را در رضایت‌مندی عمومی نسبت به حکومت دارد.

در نتیجه از آنجاکه فراجا در راستای وظایف خویش در مسئله‌های مرتبط به بانوان که جمعیتی بالغ بر نصف از جامعه را متشکل هستند و همان‌طور که قبلاً اشاره شد فراجا نیازمند کارشناسان خانم است. کارشناسانی که آگاه به دانش انتظامی و وظایف فراجا

باشد و دانش‌آموخته دانشکده‌های فراجا بوده و رسماً در این تشکیلات خدمت کند. فراجا در انجام وظایف خویش مطابق موازین اسلامی باید رفتار نماید، وظایفی که در ارتباط با زنان است مانند بازرسی بدنی بانوان، آزمون راهنمایی و رانندگی مخصوص بانوان، انگشت‌نگاری زنان، بازرسی اماکن خاص زنانه و غیره، هنگامی مطابق موازین اسلامی و شرعی انجام می‌گیرد که مأموریت به‌وسیله پلیس نسوان انجام شود. در انجام این وظایف رعایت حفظ موازین اسلامی توسط پلیس بانوان مطلوب‌تر انجام می‌شود. تبصره ماده (۲۰) اصلاح‌شده قانون و مقررات استخدامی فراجا نیز هدف استخدام کادر انتظامی نسوان را به این ترتیب اشعار می‌دارد: نیروی انتظامی می‌تواند از خدمات کارکنان زن در مواردی از قبیل آزمون‌های راهنمایی و رانندگی، بازرسی زنان، صدور گذرنامه برای زنان، اداره زندان‌های زنان استفاده نماید و اولویت در اینگونه مشاغل با کارکنان انتظامی زن است.

نکته‌ای که در اینجا قابل توضیح است این است که برابر مقررات ماده (۲۰) اصلاح‌شده قانون استخدامی فراجا مصوب سال ۱۳۷۷ و تبصره ذیل آن، پلیس اجازه خواهد داشت در حد توان خود با حفظ الزامات مسائل شرعی و اسلامی، نسوان و خانم‌های پلیس را تربیت، استخدام و به‌کارگیری نماید و در ارتباط با استخدام پلیس زن در شغل‌های مختلف، معذوری وجود نداشته، البته اصل مراعات مقررات تعیین‌شده است و مقررات همان رعایت مقررات اسلامی است. فراجا با رعایت این شرط حتی در مشاغل مدیریتی، آموزشی و فرماندهی می‌تواند از تجربیات بانوا و علم و دانش آن‌ها در راستای مأموریت‌های خود استفاده نماید

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳

با توجه به تفاوت‌ها و خصوصیات فیزیکی و معنوی خانم‌ها و آقایان، حسب حکمت باری تعالی و به‌منظور استدامه زندگی انسان، اسلام تهافت‌های ذاتی را مصدر اختلافات حقوقی برمی‌شمارد که بر اساس اصل عدالت باری تعالی پایه‌ریزی شده است. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران خصوصاً مقدمه آن اشعار دارد که: با تأسی از مقررات جامع دین اسلام و مکتب حقوق اسلامی و با اتکا بر معرفت و اعتقاد به باری تعالی و با در نظر گرفتن تشریح منظم حقوق و مسئولیت‌های بانوان

در زمینه های حقوق فرد و اجتماع و خانواده که این منشور مدون شده است. در نتیجه این منشور مترصد توضیح حق و تکلیف نسوان در دین اسلام است و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برحسب تفکر برتر امام خمینی (ره) و راهبری مقام معظم رهبری (مدظله) و با استفاده از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی و با در نظر گرفتن مقررات موجود به هدف محقق شدن عدال و انصاف در طبقه نسوان مسلمان باید مقررات خاص مورد توجه قرار گیرد... این منشور با نگاهی ژرف و همه‌گیر، تنظیم گردیده علی‌هذا شامل حق و تکلیف تأیید شده، ایجاد شده و ابتدائی و حقوق حمایت شده و همچنین حق‌های اشتراکی مابین تمام انسان‌ها است.

وفق ماده واحد که در آن مؤکد است:

بر طبق بندهای ۱ و ۱۸ وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان یک سند قابل رجوع در وضع سیاست‌های امور فرهنگی و اجتماعی در ۳ بخش و ۵ فصل و ۱۴۸ بند در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب گردید و تمامی ارگان‌های ذی سمت موظف گردیدند بر مبنای تکالیف ارگان‌ها و ادارات برای وضع سیاست، و تدبیر قانونی، اتخاذ تصمیم و برنامه‌ریزی مربوط به زنان، مقررات و اصل‌های موجود در این منشور را مراعات نمایند. این منشور اساس معرفی و توضیح جایگاه و منزلت زن در جمهوری اسلامی ایران و همچنین در مجامع بین‌المللی قرار می‌گیرد.

در تبصره آمده است که شورای فرهنگی و اجتماعی زنان موظف است در بازه دو ساله یک‌بار پس از تصویب این منشور، به ارزیابی زنان ایرانی مبادرت ورزیده و نتیجه ارزیابی درباره تلاش‌های موجود در ادامه تحقق آن را و نیز موارد از بین بردن حقوق زنان را به شورای عالی انقلاب فرهنگی انعکاس دهند

بنابراین، در بند ۱۳۴ منشور پلیس در امتداد با سندهای بالادستی (اسناد کلی و استراتژیک) و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان مبادرت به تغییر قانون به کارگیری پلیس زنان در فراجا نمود و با استخدام زنان به عنوان پلیس زن، با توجه به موازین دینی، شرعی و قانونی و با رعایت ارزش و هویت انسانی، نتیجتاً زنان را به عنوان یکی از اصول ارزشی خود در پلیس معرفی و با تنظیم پروتکل و دستورالعمل خدمتی پلیس زن

و به استخدام آنان در مشاغل مرتبط مثلاً در ارتباط با پلیس انتظامی، پلیس راهور، پلیس آگاهی و مشاوره اجتماعی در کلانتری‌ها، قاعده‌ها و اصل‌های درج‌شده در این منشور را به مرحله اجرا درآورده است (سند منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۳).

گرچه در یک سیاست جنایی سنجیده، قانون‌گذار بایستی به‌گونه‌ای عمل نماید که با وضع قوانین حمایتی و بازدارنده از زنان حمایت نماید، اما به‌یقین، قوانین خوب نیازمند مجریان خوب است و صرف اصلاح قوانین نمی‌تواند موجب حمایت از زنان گردد، بنابراین، باید تدابیر حمایتی کیفی از زنان به‌گونه‌ای تدارک دیده شود که با یک دادرسی سریع و ساده احقاق حقوق صورت گیرد (چوپانی، ۱۳۹۹، ص ۶۰۷).

دگرگونی در جامعه‌ها در اعصار کنونی، سبب گسترش حضور بانوان در نمادهای جامعه شده است. بی‌شک حاضر شدن بانوان در اجتماع به‌طور چشمگیر از یکسو سبب بروز انواع جرائم، بزه دیدگی ایشان و این حضور از سوی دیگر، دلیل ورودشان به صحنه اجتماع و از جمله شغل‌های انتظامی و پلیسی، جزائی و قضایی گردیده است و لذا موجب شده است تا بانوان بیشتر در دید نظام حقوقی-جزائی قرار گیرند؛ و چون مطالبه حقوق و آزادی‌های بانوان از جامعه بیشتر محوریت پیدا می‌کند، نهاد پلیس بیش از قبل، به دخالت در امور زنان ناگزیر می‌شود و دخالت پلیس نسوان به خاطر نوع ارتباطی که با ایشان دارد، اولین قدم در اجرای عدالت به حساب می‌آید (رجبی ۱۳۹۰، ص ۱۳۶).

تشریفات قانونی و عدالت کیفری در هر یک از مراحل فرایند رسیدگی کیفری

مراعات آئین دادرسی و راه و روش‌های قانونی و قابلیت داشتن عدالت کیفری در هر مرحله از مراحل پروسه رسیدگی جزائی مانند بررسی‌های پلیسی، تعقیب جزائی، دادرسی و انشاء و اجرای احکام، بر سرنوشت زنان بزه‌کار و بزه دیده تأثیر می‌گذارد. پلیس تخصصی و مقتدر یکی از شاخصه‌های مهم عدالت قضایی است که فلسفه وجود آن از هنگام تحقق جرم تا مشخص کردن وضعیت نهایی پرونده به هدف سرعت بخشیدن به روند دادرسی منصفانه ضروری و لازم است. تشکیل پلیس زن به خاطر اتخاذ تدابیر پشتیبانی از پلیس در چرخه رسیدگی جزائی برای بانوان مجرم (جانی) و

مجنی علیها در مرحله تحقیقات مقدماتی پلیسی مورد توجه قرار گرفته شده است تا بافهم عمیق و حساب شده حس‌ها و جوانب جرم از زبان مجنی علیه، به تعقیب فوری جرم، تأمین حقوق بزه دیده و جلوگیری از امحاء آثار جرم و همچنین برخورد قانونی و همراه با حفظ کرامت انسانی زنان نسبت به کشف جرم اقدام نماید.

وانگهی نشانه‌های هشدار می‌همانند وقوع جرائم با عنایت به رشد آمار جمعیت و انواع جرائم و با توجه به پائین آمدن سن انجام بزه و وقوع جرائم در بین بانوان و وقوع بسیاری از جرائم برخلاف عفت عمومی، نشان‌دهنده این موضوع است که پایه و اساس جامعه یعنی خانواده، خصوصاً بانوان بیش از پیش در لبه تیغ آسیب‌ها و تهدیدها قرار دارد بر این اساس تأسیس پلیس ویژه بانوان که در قانون آئین دادرسی کیفری نیز به آن توجه شده است می‌تواند نقش بسزایی در جلوگیری از وقوع جرائم به‌وسیله مؤنثان را داشته باشد که مرور زمان و تجربه‌های حاصله روند آن را نشان داده است. در همه کشورها جرائم اجتماعی و مشکلات فراوانی وجود دارد که در بعضی از موارد با توسعه دامنه آن‌ها مشکلاتی به وجود می‌آید که ادامه زندگی اجتماعی برای افراد با خطر مواجه می‌گردد، اثرگذاری پلیس بانوان در پیشگیری جزائی و غیر جزائی از جرائم علیه بانوان بزه دیده از نگاه جرم‌شناسی که ایجاد این نهاد یعنی پلیس زنان با تقدیم خدماتی مانند اطلاع‌رسانی، مشاوره به زنان و کودکان بزه دیده، آگاهی دادن و اطمینان بخشیدن به بانوان در مقابله با خطر، مقدمه فرهنگ‌سازی و مراعات مقرر اخلاقی و بالا بردن فرهنگ انسانی در مقابله با بانوان بزه‌کار را توسط پلیس نسوان تقویت می‌کند و سبب پائین آمدن جرائم تأثیرگذار به‌واسطه این دسته از افراد جامعه می‌شود.

لذا ارزش یافتن جرائم و انجام تحقیقات ابتدائی سبب می‌شود که پلیس به عنوان ابتدایی‌ترین رکن در فرایند، بیش از سایر مراحل در حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های بزه دیدگان و بزه‌کاران خصوصاً زنان آگاه باشند و مانع از تعدی و تفریط حقوق بانوان شوند. نادیده انگاشتن حقوق زنان مجنی علیه، کم‌اهمیت جلوه دادن شکایت شاکی و یا مهم‌تر از آن، با تأخیر زمانی مبادرت به تعقیب و جمع‌آوری دلایل موجود از سوی بانوان منجر به ورود خسارات جبران‌ناپذیری به حقوق از دست‌رفته زنان بزه دیده می‌گذارد.

علی‌هذا از اهداف اصلی بیشتر سازمان‌های پلیسی خصوصاً در حوزه بانوان رساندن بازه واکنش به پایین‌ترین زمان خود نسبت به درخواست‌های کمک ایشان است. به‌کارگیری رسمی، آموزش و بهره‌وری روزافزون از پلیس بانوان را می‌توان یکی از روش‌های سیستم عدالت کیفری دانست تا اعتماد بانوان مجنی علیها برای رجوع به پلیس و اعلام بزه دیدگی جلب شود.

چه اینکه از ادله بانوان برای عدم بیان وقوع جرم، عجز پلیس‌های غیر زن در فهمیدن اوضاع بانوان مجنی علیها و شدت به وجود آمدن اثرهای نشاءت گرفته از این خشونت‌ها و کم‌اهمیت تلقی شدن مشکلات ایشان از سوی مردان است؛ بانوان مجنی علیها همیشه از بیان وقوع جنایت بر روی خود نزد پلیس ابراز ناخوشایندی کرده‌اند، این عدم رضایت به‌خصوص در زمانی که مشکل مجنی علیها به روابط خصوصی او برمی‌گردد، زوایای جدیدی پیدا می‌کند (چوپانی، ۱۳۹۹، ص ۶۰۹).

از نگاه جرم‌شناختی در مورد زنان باید این موضوع متفاوت و نزدیک به حقوق زن باشد و با توجه به اینکه حقوق بزه دیده و بزه‌کار باید رعایت شود، جنسیت نقش مهمی را در فرآیند دادرسی ایفا می‌کند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ نیز ضمن تعریف ضابط دادگستری و مشخص کردن مصادیق آن به بیان آن‌ها پرداخته است و در ماده ۴۲ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «بازجویی و تحقیق از خانم‌ها و اشخاص صغیر بفرض امکان باید به‌وسیله پلیس تعلیم‌دیده زن و با در نظر گرفتن مقررات شرعی انجام پذیرد».

حضور زنان در میان نیروهای انتظامی و ضابطین دادگستری، امکان رعایت موازین اسلامی، حقوق انسانی و حفیظ کرامت و شأن زنان را بفرض تجاوز، مورد جنایت واقع‌شده، متهم نمودن و وقوع جرم فراهم می‌نماید و به نظر می‌رسد زنان در مواجهه با مأموران زن در بازگو کردن وقایع مربوط به جرائمی که علیه یا توسط آنان ارتکاب یافته از آزادی عمل و امنیت بیشتری برخوردار می‌باشند. همچنین این امکان از مجرمان و متهمان زن سلب می‌شود که با استمداد از جذابیت‌های زنانه، مأموران مرد را اغوا نموده و اقدام به فرار نمایند و نیز امکان دسترسی زنان به مأموران زن در مراحل کشف جرم،

تحقیق، تعقیب و مجازات، اهداف دستگاه قضایی را که اجرای عدالت و انصاف است، بهتر تأمین خواهد کرد (آیت الهی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴).

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات و تلاش‌هایی در زمینه دستیابی زنان به عدالت قضایی در بعد قانون‌گذاری ماهوی و شکلی صورت گرفته است تا مسئله حفظ و رعایت حقوق زنان و عدم تبعیض در وضع قوانین و مقررات و عملکرد نهادها بر اساس تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد و اقتضائات آن در انجام وظایف و تکالیف باشد. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ و نیز با توجه به تفاوت‌ها و خصوصیات فیزیکی و معنوی خانم و آقا، بر اساس تقدیر باری تعالی برای استدامه زندگی انسان، این تفاوت‌های طبیعی را منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌شمارد که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است. بنابراین، حق دسترسی زنان (در صورت تعرض) و در صورت بزه دیدگی و در فرض اتهام و ارتکاب جرم، به پلیس زن، به عنوان یکی از حقوق بانوان و همچنین مسئولیت‌های حقوقی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و پلیس زن برشمرده شده. این سیاست‌گذاری وفق بند ۱۳۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران معین است.

مطالبی درباره منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران

- در منشور موردنظر با یک نگاه اجمالی خواهیم یافت که حق در معنای قدرت، داشتن تمایز و در امان بودن است و داشتن مسئولیت نیز به معنای وظایفی است که زن در برابر دیگران بر گردن دارد.
- بعضاً که وظایف جامعی متوجه اشخاص می‌شود و خانم‌ها از ثمره انجام آن وظایف برخوردار می‌شوند، در این صورت آن وظیفه به صورت حقوق زنان ذکر و از تشریح بلا واسطه مسئولیت‌های سایرین نسبت به این گروه خودداری شده است.
- چون در مقررات اسلامی، اشخاص در برابر خدای متعال، خویشتن، جامعه و جهان هستی پاسخگو است، لذا مساعی خود را مصروف می‌نماید تا وظایف زنان نیز به نسبت به موارد یادشده تشریح گردد. مسجل است که در فرض فقد

ضوابط عام تکلیف (عقل، بلوغ، اختیار، ...) زنان هم فاقد مسئولیت کیفری و یا مدنی خواهند بود. همچنین، با بهره‌برداری از کلمه حق یا تکلیف، نوع ارتباط زنان با مسئله موردنظر مشخص می‌گردد.

• تمامی حقوق و تکالیف زنان اعم از مشترک بین ایشان و مردان و یا مخصوص آن‌ها به سبب دلایلی است که این دلایل عبارت است از:

الف - به جهت این‌که در جوامع بین‌المللی گفتگوی بسیاری در خصوص حقوق بشر مربوط به زنان دیده می‌شود و مترصد ثبوت حقوق بشری مطابق با نظریه‌های جهان غرب برای بانوان و دختران می‌باشند و از سوی دیگر بلاد گوناگون بر طبق نگرش‌های گوناگون خود دیدگاه و برخورد متفاوتی در خصوص حقوق بشری زنان دارند، ضروری است تا در منشور که بیان‌کننده نظریه جمهوری اسلامی ایران است حقوق بشری زنان، همچنین حقوق شراکتی فی‌مابین خانم و آقا و نیز حقوق مخصوص بانوان و دختران در مسائل گوناگون بیان شود تا مسجل گردد که جمهوری اسلامی ایران مبنای چه حقوق و تکالیفی را برای زنان موردتوجه قرار داده است.

ب- در تفکرات ناب اسلامی، خانم‌ها و آقایان در حقوق بشری خویش عموماً اشتراک دارند لیکن به سبب آن‌که در مسیر انجام و جاری ساختن ممکن است اختلافات و تمایزاتی حاصل گردد برای مؤکد نمودن، این گروه از حقوق با عنوان حقوق زنان بیان گردیده است.

چ- و چون منشور صرفاً درصدد بیان و تشریح حقوق بانوان و دختران است، حقوق سایر اقشار اجتماع در آن بیان نشده است هرچند در مسیر اجرا با توجه به سایر مقررات و سیاست‌ها، به حقوق سایر افراد اجتماع نیز توجه ضروری خواهد شد.

• منشور موردنظر مترصد اعلام روش اجرای حقوق نیست و در نتیجه ضروری است توجهی به اساس و شالوده قوانین در مکان خود تضمینی برای اجرا موردنظر قرارداد.

- به لحاظ اینکه منشور صرفاً مترصد اعلام قوانین نیست بلکه عنایت به ایجاد فرهنگ هم دارد بنابراین بعضی از موارد اخلاقی لازم است که اجرا شود و از طرفی نیز در ردیف حق و تکلیف زنان بیان گردیده است.
- تلاش شده در منشور موردنظر تا آنجا که ممکن است، حق و تکلیف به صورت کلی و اساسی موردتوجه قرار گیرد و از ذکر مصداق‌های آن روی‌گردان شود. ولیکن چون نیاز است در درگیری‌های فرا کشوری و بین دول برخی از آن مصداق‌ها مورد تأکید و واضح گردد براین اساس مراتب به شکل معین مطرح گردید.
- در پایه و اساس منشور مذکور، حق و تکلیف زنان با تفحص و تتبع به شکل زیر تقسیم‌بندی گردیده است: حقوق هم از فردی، خانوادگی و اجتماعی (که حقوق اجتماعی بر مبنای عنوان آن به حقوق سلامت، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قضایی طبقه‌بندی گردیده است)
- این منشور مترصد بیان نظریه دولت-کشور و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران (حسب فقه امامیه) در مسئله‌های مربوط به زنان است و از این حیث مرکز ثقل تبادل نظریه با سایر دول اسلامی درباره موضوعات زنان قرار می‌گیرد و گامی اثرگذار در راه آماده‌سازی و مدون کردن سندی علی حده با همیاری و وحدت نظر بلاد گوناگون اسلامی در رده و سطح بین‌الملل قابل‌محاسبه خواهد بود.
- مقررات شرعی گرچه حاکم بر مطلق بندهای منشور است ولیکن در بعضی از موارد که مرتبط با حق یا تکلیف است، به سبب بعضی دلایل، تأکیدات مقررات شرع لازم‌الرعایه خواهد بود، فلذا این عبارت مجدداً در منشور ذکر گردیده است.
- چون این منشور صرفاً مترصد ذکر حق و تکلیف زنان است لذا از بیان اسم افراد یا ارگان‌های که موظف به اجرای این حق هستند ممانعت نموده، مشخص است که سند مزبور اساس. پایه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در

موضوعات و مسائل زنان در تمامی ادارات و سازمان‌ها خواهد بود.

• شالوده و اساس منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با تأسی از دین مقدس اسلام و شریعت جامع به هدف به وجود آوردن مقدمات رشد هماهنگ و با توازن در سایر جهات معنوی و مادی در حیات وزندگی شخصی و جمعی و از سوی دیگر توجهی به آزادی‌های همراه با پاسخگویی زنان و همچنین با حفظ کرامت انسان درباره آن‌ها و با وصف متناسب بودن فی‌مابین حق و تکلیف، این منشور شکل گرفته است.

بررسی اسناد فرادستی ارائه‌شده که نشان از الهام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در استفاده از زنان در مشاغل انتظامی دارد:

• الزامات شرعی: حکم تکلیفی حرمت مراجعه به غیر مماثل در موارد عدم ضرورت

در دنیای امروز با توجه به گستره زندگی اجتماعی و تنوع جرائم و مراجعه‌کنندگان، به پلیس زن این سؤال مطرح می‌شود که آیا در مسئله رجوع به پلیس، هم‌جنس بودن با ضابط دادگستری شرط است یا خیر؟ در اینجا با توجه به فتاوی علمای، در موارد مشابه و تنقیح مناط از آن فتوای می‌توان نتیجه گرفت که تکلیف در زمان عدم دسترسی به پلیس هم‌جنس و نیز شمول مسئله مشابه و... صاحب عروه می‌نویسد: از حرام بودن نگاه هر یک از اجنبی و اجنبیه استثنائاتی وجود دارد: اول، در مقام معالجه، چنانچه متوقف شود گرفتن نبض یا معالجه شکستگی یا جرح یا خونگیری یا حجامت و امثال آن اگر مماثل و هم‌جنس برای معالجه پیدا نشود؛ بلکه در این حالت، مسح و لمس نیز جایز است، البته به مقدار ضرورت. فقیهان در زمینه مشافهه اختلاف عقیده دارند و بعضی از فقیهان همانند شهید ثانی قائل است (شنیدن و شنواندن صدای نامحرم را حرام دانستند)؛ ولی امام راحل خمینی کبیر بیان می‌دارند (این امر را جایز است) که نظریه امام (ره) با نظر مشهور موافق است؛ اما در مورد ارتباط بصری و نگاه به زن نامحرم، اتفاق فقها بر حرمت است، مگر در هنگام ضرورت مثل مداوا کردن که از این قاعده مستثنا است.

همچنین در مراجعه به پلیس غیر مماثل در ضرورت استثنا شده لذا بهتر است در امور مرتبط پلیسی، مماثل و هم‌جنس در نظر گرفته شود چه اینکه در تبع در نظریه‌های فقیهان معلوم شد که رجوع به غیر هم‌جنس، در زمانی که مستلزم نگاه باشد، حرام است، مگر در هنگام اضطرار که از حکم اولیه حرمت مستثنا است و این مطلب در بین همه فقها اجماعی است. دلایل عقلی در این باره، عبارت‌اند از: «قاعده لاضرر لا ضرار فی الاسلام، وجوب مقدمه واجب و طریق عاقلین» که با عنایت به مانع نشدن شارع مقدس در استفاده از شرطه و پلیس زن در مأموریت‌های مربوط به بانوان و دختران که بهره‌برداری از پلیس مرد ممکن نباشد در موضوعات مرتبط به تبهکاران زن در مأموریت‌ها، ضرورت دارد ضابط زن در این مأموریت‌ها، به‌کارگیری گردد. در ایده عدم حضور ضابط زن در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی که با بزهکاران و تبهکاران زن نیز بخورد دارد، ضابط مرد در معرض انحطاط‌های اخلاقی قرار می‌گیرد و به لحاظ اینکه الزامات حکمی به همراه ضرر در اسلام موضوعیت ندارد؛ حسب قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام و وجوب حضور ضابط زن برای بسامان رساندن مسائل مربوط به بانوان و دختران ضروری است. پلیس ویژه زن در فراجا حضور فعال داشته باشد. در نتیجه رجوع به غیر هم‌جنس مگر در جاهای خاص در برابر حکم تکلیفی قد علم کردن است و با وحدت ملاک و تنقیح مناط این حکم در نمونه استفتائات موجود در باب پزشکی می‌توان مراتب را به پلیس زن نیز سرایت داد؛ لذا به‌کارگیری پلیس زن مطابق حکم پزشک زن قابل بهره‌برداری است که در اینجا همان حکم تکلیفی بر آن حمل می‌گردد.

۶-۵-۲- الزامات قانونی

الف- حسب اصل چهارم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه مقررات باید بر اساس مقررات اسلامی باشد.

بدین توضیح که پس از عبارت کلی قوانین و مقررات، بقیه موارد صرفاً مثال زده شده و بر اصل مذکور راجع به تمامی قوانین و مقررات کشور صحبت می‌کند و در واقع عبارت کلیه قوانین و مقررات در ابتدا و عبارت غیر این‌ها در ادامه مثال‌ها نشان از این دارد که همه‌ی قوانین جاری کشور مدنظر است و به‌صورت کلی، دین مبین اسلام و قواعد و موازین آن، مبنا و پایه و اساس همه قوانین در جمهوری اسلامی ایران است در موارد و

جبهه‌های مختلف، از جمله قانون به‌کارگیری پلیس تخصصی زنان در فراجا، نظام قانون‌گذاری کشور، سعی در حفظ این مبنا و اساس دارد.

ب- اصل بیستم از قانون اساسی نیز اشعار دارد تمامی آحاد ملت در برابر قانون یکسان هستند با این حساب عدم مراعات اصل مساوات اشخاص در مقابل قانون علاوه بر اینکه سبب ناامیدی آحاد مردم می‌شود، خواهد توانست عواقبی مثل نافرمانی مجرمین را به دنبال داشته باشد. یکی از اصول بسیار مهم انعکاس یافته در فصل سوم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که منظور نظر به حقوق ملت ایران است همان اصل ۲۰ آن است.

حقیقتاً این اصل به زبان ساده منظور نظرش این است که هیچ‌گونه برتر بینی و جداسازی در انگاشتن دستگاه دولت - کشور نسبت به آحاد مردمانش نباید تحقق یابد و تمام پایه‌ها و قسمت‌های حاکمیتی یا قوای سه‌گانه در کشور جمهوری اسلامی ایران ضرورت این اصل را نسبت به مردمان خود به نحو یکپارچه و بدون جداسازی به منصفه ظهور می‌رساند.

ج- ماده ۲۰ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۷۷: این قانون درصدد اصلاح ماده (۲۰) قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و تبصره آن در خصوص پلیس زن اصلاح شد به‌گونه‌ای که مشتمل بر ماده واحد در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

د- بند ۱۳۰ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ مبین حق بهره‌مندی از آموزش و تصدی مشاغل انتظامی است که می‌تواند نشانه بالندگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی باشد.

ه- بند ۱۳۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ بر نکته اساسی و حق بر سلامت روحی و روانی و جسمی زن در نظام جمهوری اسلامی اشاره دارد بدین گونه که ۱۳۴- توانائی جنس مؤنث به پلیس نسوان

در صورت تجاوز جنسی، بزه دیدگی، مورد اتهام واقع شدن و وقوع جرم الزام حضور ضابط دادگستری زن در سطح جوامع امری ضروری است و قطعاً انکارناپذیر خواهد بود، ولی باید این حضور با آمادگی بهتر انجام گردد تا علاوه بر تنویر اذهان عمومی به‌منظور شناخت ضرورت و اهمیت موضوع و نیز فراهم شدن زمینه‌های استقبال جامعه، پشتیبانی از آن‌ها را در بر گرفته و بستر توسعه پلیس بانوان را فراهم آورده است از سوی دیگر، استخدام نسوان به هدف انجام مأموریت‌های اصلی نیروی انتظامی از دیدگاه مراعات نمودن مسائل شرعی و در نظر گرفتن نکات اسلامی و همچنین استبعاد پایوران نذکر از فسادهای اجتماعی دامن‌گیر ناشی از ارتباط با متهمین زن و همچنین حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و جلوگیری از تزییع حقوق ایشان ضروری است. بر این اساس قانون‌گذار تأکید دارد که در بازجوئی‌ها و جلسات رسیدگی تحقیقاتی در مرجع پلیس با وصف وجود امکانات لازم از بانوان و دختران و افراد زیر سن رشد ضرورت دارد از پلیس نسوان که آموزش‌های لازم رادیده باشد و علاوه بر آن مقررات شرعی را هم رعایت کنند انجام پذیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد هنگامی که برنامه‌ها برافزایش ارتباط پلیس با جامعه متمرکز می‌شود، سطح ترس از جرم در جامعه کاهش می‌یابد. راهبردهایی نظیر استقرار ایستگاه‌های پلیس در محلات، گشت‌های سواره و پیاده پلیس، سطح نگرانی شهروندان در خصوص احتمال وقوع جرم در محیط اطرافشان را کاهش می‌دهد. مدل پلیسی گری مکان محور بر لزوم تمرکز منابع مالی و انسانی پلیس در نواحی آلوده و جرم خیز، تأکید دارد و راهبردهای اصلی خود را در افزایش گشت‌های انتظامی در کانون‌های جرم خیز، تمرکز بر مجرمان شرور و سابقه‌دار تعیین نموده است. اگرچه این رویکرد پلیس می‌تواند در کاهش میزان جرم و بی‌نظمی موفق باشد اما درجایی که این الگو بدون رهیافت مسئله محوری به کار گرفته شود، نمی‌تواند لزوماً به معنای کنترل و کاهش ترس از جرم باشد. مدل پلیسی گری مسئله محور بر لزوم شناسایی دقیق و کامل مشکل ترس از جرم به‌منظور اقدامات متناسب با آن، تأکید دارد و بر این اساس نیز راهبردهای خود را تعیین می‌کند. الگوی مسئله محور، ترس از جرم را یک مسئله مهم

می‌داند و با بهره‌گیری از فرایند بررسی، تحلیل، واکنش و ارزیابی، کاهش ترس را محور اصلی فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. از آنجایی که ترس از جرم ماهیتی بسیار پیچیده دارد و بسته به متغیرهایی نظیر مکان، زمان، سن، جنسیت و نژاد، میزان ترس از جرم متفاوت خواهد بود، نمی‌توان یک راهبرد را برای تمام مکان‌ها و زمان‌ها در خصوص مبارزه با ترس از جرم به کار گرفت. از زمان شکل‌گیری پلیس ۱۱۰ و اختصاص شماره‌ای برای نظارت هر چه بیش‌تر به عملکرد پلیس (۱۹۷)، رویکرد جدیدی تحت عنوان پلیس جامعه‌محور در سازمان پلیس شکل گرفت که بر مشارکت پلیس با مردم جهت کاهش جرم، بی‌نظمی و افزایش احساس امنیت، تأکید دارد. پلیس ۱۱۰ صرفاً یک تاکتیک عملیاتی و کاربردی نیست بلکه راهبردی اساسی و مهم در فرایند اصلاح امنیت کشور است. نتیجه فوری آن غلبه بر احساس ناامنی است که امروزه گریبان‌گیر جامعه است و در صورت تداوم منطقی آن این احساس کاهش‌یافته و امنیت ذهنی مناسبی در جامعه برقرار خواهد شد. توجه به رویکرد جامعه‌محوری در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعامل و همکاری میان نیروی انتظامی و مردم را افزایش می‌دهد و حاصل توسعه این همکاری اعتماد و اطمینان بیش‌تر شهروندان به پلیس در راستای تأمین امنیت است، در نتیجه آن‌ها ترس کمتری را احساس خواهند کرد. پلیس ایران با اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری و از طریق مکانیسم‌هایی همچون افزایش سطح تعامل میان پلیس و جامعه، افزایش سطح اعتماد عمومی به پلیس، افزایش سطح مشارکت مردم در برقراری امنیت و اطلاع‌رسانی، توانسته است علیرغم عدم تغییر محسوس در نرخ جرائم، ترس از جرم را در میان شهروندان کاهش دهد. بزه دیدگان در ساعات اولیه پس از بزه دیدگی نیاز به حمایت و همدردی بیش‌تری دارند و پلیس به عنوان اولین نهادی که بزه دیدگان با آن در تماس هستند، نقش مهمی در ایجاد امنیت و آرامش خاطر آن‌ها خواهد داشت. افزایش حمایت‌های اجتماعی، قضایی، پزشکی، روان‌شناختی و مددکاری نسبت به بزه دیدگان از دو جهت در کاهش احساس ناامنی و ترس از جرم مؤثر است. نخست آن‌که اجرای این برنامه‌ها نسبت به خود بزه دیدگان موجب کاهش آسیب‌های جسمی و روانی آن‌ها شده و با احیای مجدد آن در کاهش احساس ترس آن‌ها مؤثر است. لذا پیشنهاد می‌شود که بیش‌ازپیش به پلیس محله، همیاران پلیس و پلیس افتخاری اهمیت داده و مستقر نمودن پلیس ویژه در مکان رفت‌وآمد اقشار آسیب‌پذیر

(زنان، کودکان، سالمندان) مانند اماکن تفریحی و سرگرمی آن‌ها، پروژه‌های نورپردازی خیابان‌های خلوت و مناطق تاریک باید در دستور کار شهرداری قرارگیری و لازم است در این زمینه پلیس به شناسایی مناطق جرم خیز بپردازد.

فراجا (فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) بر طبق اسناد بالادستی و نیز بهره‌برداری از منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، با سیاست‌گذاری در امر به‌کارگیری پلیس زن و با اصلاح قانون در خصوص استخدام و جذب پلیس زن در شغل‌های پلیسی مثل آگاهی و غیره و با بهره‌مندی از بانوان به عنوان پلیس و ضابط دادگستری و با مراعات ضوابط شرعی و حفظ کرامت انسانی، بانوان را به نمونه‌ای از اصول ارزشی فراجا معرفی کرده و با تهیه و تنظیم دستورالعمل جذب و به‌کارگیری پلیس زن و با برنامه منظم راجع به نسوان، الزاماتی را بر طبق منشور مزبور اجرایی نمود. به‌گونه‌ای که پلیس پیشگیری نسوان سبب اقوی در عدم وقوع جرائم مرتبط با بانوان شده و بزه دیده زن نیز به سهولت می‌تواند با پلیس زن ارتباط برقرار نماید که در نتیجه در فرض وقوع جرائم مهم، کشف آن میسر و سهل‌تر خواهد بود.

از سوی دیگر با یک بررسی بین‌المللی، مشکل مهمی که قابل‌ذکر است فقدان پاسخگویی در رابطه با گزارش‌ها در شاخص‌های کلیدی نسبت جنسیتی در سازمان‌های پلیس را نشان می‌دهد. با وجود دلایلی قوی برای مشارکت بسیار بیش‌تر زنان در پلیس، لیکن اصلاحات اساسی در مورد پیشرفت زنان غالباً وجود ندارد تا بد آنجا که یک شکاف بزرگ نسلی در بسیاری از سازمان‌های پلیس، دیده می‌شود علی‌رغم این تصویر نسبتاً تاریک، اطلاعات در دسترس، پیشرفت زیادی در موقعیت پلیس زن در بسیاری از سازمان‌ها از جمله سازمان فراجا در چند دهه گذشته را نشان می‌دهد. همچنین، مواردی از موفقیت‌های برجسته، به‌ویژه در نرخ استخدام بالای یک‌سوم و در ارتقای زنان به رتبه‌های متوسط و ارشد وجود دارد. به‌طور هم‌زمان، شواهد موجود نشان می‌دهد که رشد در بعضی از شاخصه‌ها از جمله تخصصی شدن پلیس کند شده است و بیشتر به معیارهای فعالی و فوریتی متمرکز شده است که جهت حمایت از زنان برای ورود به پلیس و پیشرفت شغلی تخصصی کردن پلیس نسوان در سنجه پلیس پیشگیری موردنیاز بازنگری کلان است. تعدادی از عواملی که می‌توان برای کمک به این

مأموریت اشاره کرد شامل قانون‌گذاری در چارچوب سیاسی مناسب، فرماندهی پلیس حمایتی، رسیدگی منظم و برابری و یادگیری است که از راهبردهای سازمان‌های پلیسی موفق نام‌برده شده‌اند.

پیشنهادها:

حسب نتایج این پژوهش، پیشنهادهای ذیل ذکر ارائه می‌شود:

۱- ضرورت دارد برای پیشگیری از وقوع جرم پلیس زن در حوزه‌های تخصصی تشکیل و تقویت شود و با عنایت به دستورات دین سرفراز اسلام، حسب آیات قرآن مجید و روایات معصومین (علیهم‌السلام) بر دوری از روابط غیر لازم میان آقایان و خانم‌ها، لذا واجب است نیروی فرماندهی انتظامی پلیس زن در درون فراجا کنار سایر نیروی‌های پلیس، همچون مرزبانی و ظرفیت و توانائی‌های همه پلیس‌های متخصص در عملیات انتظامی بدون وابستگی به پلیس مرد، عمل کرده و لذا به تبع باید لوازم مرتبط با پلیس زن در این خصوص فراهم گردد.

۲- نظر به ضرورت ایجاد پلیس زن در فراجا، پیشنهاد می‌گردد گروه علمی و تحقیقاتی پژوهشی به صورت مستقل برای آگاهی از دستورالعمل سازمان‌های پلیس زن در سایر کشورها تحت نظارت وزارت کشور تشکیل شود و در نتیجه، بکار بردن آن تحقیقات در لایه‌های پلیس زن می‌تواند موفقیت و راندمان بالایی برای این پلیس به وجود آورد تا پلیس برای پیشگیری از وقوع جرم در قشر بانوان نیز عملیاتی گردد و جامعه نسوان از یک ایمنی در تراز جمهوری اسلامی برخوردار باشند.

۳- برای دسترسی به نتیجه مطلوب، سرعت عمل در عملیات پلیس ویژه بانوان گزینه بسیار مهمی محسوب می‌گردد و از سوی دیگر عدم اطلاع از احکام دینی و شرعی چه بسا موجب فساد در کار و تأخیر در اجرای بعضی از مأموریت‌های ذاتی پلیس شود؛ لذا تشکیل معاونتی از سوی فراجا (سازمان عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) در درون پلیس تخصصی نسوان که کادر آن از بانوان دارای تحصیلات حوزوی و یا دانشگاهی آشنا با فقه و حقوق باشد می‌تواند نقش به سزایی در پیشبرد معنوی این پلیس داشته باشد که طبعی خروجی این پلیس در رتبه عالی قرار خواهد گرفت.

منابع

۱. ابتهاج، فریبا. پلیس زن به یاری نیروی انتظامی می آید. پیام زن. شماره ۹۸، ۱۳۷۹.
۲. ابن شهید ثانی، حسن بن علی، بی‌تا. معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. احمدی، محمدحسین، مشکلات و موانع به‌کارگیری زنان پلیس در مأموریت‌های انتظامی. مجموعه مقالات تخصصی ویژه پلیس زن و الزامات شرعی. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا. جلد دوم. ۱۳۸۵.
۴. اسدی، داود. نقش زنان در صدر اسلام و آثار تعامل آنان با پیامبر (ص)، مجموعه مقالات تخصصی ویژه پلیس زن و الزامات شرعی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا. جلد ۲، ۱۳۸۵.
۵. امام خامنه‌ای، علی، اجوبه الاستفتائات. قم: انتشارات دفتر مقام معظم رهبری در قم، ۱۳۸۹.
۶. آشتیانی، محسن، راه‌های مبارزه با آفات عفاف. صحیفه مبین. شماره ۳۱ و ۳۲. ۱۳۸۲.
۷. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار، چاپ سوم ۱۳۸۹.
۸. نوبهار، زهرا. پلیس زن و پیشگیری از مواد مخدر. مجموعه مقالات همایش پلیس زن و مبارزه مواد مخدر و روا نگردان. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، ۱۳۹۰.
۹. جان‌نثاری، حبیب‌الله، تحلیلی بر حوادث خردادماه ۱۳۸۲ کوی دانشگاه تهران. پلیس ویژه، ۱۳۹۳.
۱۰. جزینی، علیرضا، سازمان و وظایف یگان‌های انتظامی. تهران: معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۷.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، (جلد چهارم) تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ۲۰، ۱۳۸۹.
۱۳. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، زن ریحانه آفرینش؛ مجموعه سخنرانی‌های مقام

- معظم رهبری درباره زن. قم: دارالهدی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا) مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالشامیه.
۱۵. قاسمیان، حسن، احکام بیماران، پزشکان و پرستان. قم: زمزم هدایت. ۱۳۸۳.
۱۶. مخدوم، حمیدرضا و محمودی، نقی، نقش پلیس زن در برخی کشورهای جهان. مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۳۹۰.
۱۷. وروایی، اکبر و توسلی، محمدحسن، ضرورت‌ها و بایدها و نبایدها (الزامات شرعی) پلیس زن. مجموعه مقالات تخصصی ویژه پلیس زن و الزامات شرعی (جلد دوم). تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا، ۱۳۸۵.

Women Police Officers in the measure criminology of prevention

Javad tahmasbi¹; Abbas tadayon²; Batoul Pakzad³; Ali NaserKeliVand⁴

Received: 2023/03/11 Accepted: 2023/04/29

Abstract

In Iran, women's right to access policewomen as a victim is considered one of their fundamental rights in society. In this regard, the presence of women's police in Iran and similar societies that have a culture of religious-behavioral deprivation in different parts of personal and social life should be investigated. Signs such as the increase in the crime rate due to the population growth rate, the increase in the variety of crimes, the decrease in the age of crime among women, and the commission of many crimes against morals and public modesty show that the foundation of society, the family, especially among women, is more exposed Harms and threats are serious. This article aims to explain the policy-making and legal bases of the presence of trained female police officers according to paragraph 134 of the charter. Therefore, looking at the history of crimes committed against women, the presence of female police officers in the society becomes necessary; Therefore, this study, with a descriptive and analytical method, aims to investigate the measure of preventive criminology through the formation of women's police in order to provide services such as counseling and informing women who have been victimized on the issue of violence, to provide the basis for the widespread presence of women's police.

Key words: women's police, criminology, cultural action, prevention, policy making.

¹. Member of the Faculty of Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch.

². Member of the Faculty of Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

³. Member of the Faculty of Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch.

⁴. Phd student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch.